

# انبیا پیشوایان هدایت و رهبران بشریت

[بخش دوم و پایانی]

سید ابوالحسن علی حسنی ندوی / ترجمه: محمد قاسم بنی‌کمال (قاسمی)

این حدّ باشد که رعایا با حکام، و اعضای یک حزب و ارتش با رهبر سیاسی و فرمانده‌شان دارند، و نه این ارتباط از آن جنس است که همچون نظام‌های حکومتی فقط مالیات پرداخت و به قانون گردن نهاده شود؛ چنان‌که به‌صراحت می‌فرماید: «لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» [تو قوروه] [فتح: ۹]؛ تا [شما ای مردم] به خدا و رسول او ایمان آورید و [دین] او (خدای) را یاری دهید و او را به بزرگی باور دارید. «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّوهُ وَنُصِرُوا وَاتَّبَعُوا النَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» [اعراف: ۱۵۷]؛ پس آنان که به او (پیامبر) ایمان آوردند و او را گرامی داشتند و او را یاری دادند و از نوری (قرآن) که با او فرودستاده شده است پیروی کردند، آنان‌اند که رستگاراند.

بر همین اساس، قرآن مجید به مراعات هر آنچه که موجب احترام و تکریم انبیا است، دستور می‌دهد؛ از هر آنچه که احترام و منزلت و عزت و عظمت آن‌ها را تقلیل دهد به شدت منع می‌کند، و از هرگونه اسائه ادب و جسارت به آنان بازمی‌دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ إِنَّ الَّذِينَ يَغْضُونَ أَسْوَاتِهِمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» [حجرات: ۲-۳]؛ ای مؤمنان، صدای خود را بلندتر از صدای پیامبر مکنید، و مانند بلند سخن گفتن با همدیگر با او سخن نگویند، که مبدا درحالی که شما نمی‌دانید اعمالتان از بین برود. کسانی که صدای خود را در نزد رسول خدا فرومی‌کاهند، اینان‌اند

**دعوت قرآن به اطاعت از انبیا، و تشویق به تقلید از آنان**  
قرآن مجید به اطاعت از انبیا و اختیار نمودن سیره و روش آنان در زندگی فرامی‌خواند و به تشبیه با آنان در حدّ امکان تشویق می‌کند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» [احزاب: ۲۱]؛ به‌راستی برای شما، برای کسی که [پاداش] خداوند و روز قیامت را امید می‌دارد و خداوند را بسیار یاد می‌کند، در رسول خدا سرمشقی نیکوست. قرآن مجید به مؤمنان دستور می‌دهد که مدام این‌گونه دعا کنند: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» [فاتحه]؛ ما را به راه راست ره‌نما؛ راه کسانی که به آنان انعام کرده‌ای، نه آنان که مورد خشم قرار گرفته‌اند و نه گمراهان. بدون شک پیامبران الهی در رأس این بندگان منعم‌علیهم، سعادت‌مند و سربلند قرار دارند. این دعا در صلب و متن نماز قرار گرفته است، و به هر مقدار که انسان پیرو سنت انبیا باشد و با آنان در سیرت و صورت مشابهت اختیار نماید، به همان نسبت با الله نزدیک می‌شود و در بارگاه الهی منزلت می‌یابد.

**محبت قلبی با انبیا و احترام به آنان**  
قرآن مجید هم‌چنین به احترام و گرامی‌داشت و تکریم انبیا که از اعماق قلب برخاسته باشد، فرامی‌خواند، و تنها به اطاعت ظاهری که خالی از عاطفه و تعظیم و محبت باشد، بسنده نمی‌کند. آری! قرآن مجید به این اکتفا نمی‌کند که اطاعت و ارتباط با پیامبران الهی فقط در

به خوبی شناخته نمی‌شد. قبیله‌اش، بنو تمیم، مرگش را یقینی پنداشتند و او را در پارچه‌ای گذاشته و به خانه‌اش بردند؛ اما همین‌که در آخر روز به هوش آمد، این سخن بر زبانش جاری شد: آیا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم سالم هستند و آسیبی به ایشان نرسیده است؟ حاضران گفتند: آن حضرت در سلامتی کامل به سر می‌برند. ولی او اطمینان خاطر نیافت و گفت: «إِنَّ اللَّهَ عَلَيَّ إِلَّا أَذُوقُ طَعَامًا وَلَا أَشْرِبُ شَرَابًا أَوْ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» [البداية و النهاية: ۳/۳۰]؛ به خدا سوگند! نه چیزی می‌خورم و نه چیزی می‌نوشم تا این‌که به خدمت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم برسم [و از سلامتی ایشان اطمینان یابم].

از تبار همین جان‌ناران و عاشقان پیامبر بود آن زن انصاری که در غزوه احد وقتی خبر شهادت نزدیک‌ترین و عزیزترین کسانش (پدر، برادر و شوهرش) را به او دادند، سراسیمه پرسید: حال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم چه طور است؟ گفتند: حال ایشان خوب است. ولی او تا رسول خدا را ندید، اطمینان خاطر نیافت و با دیدن آن حضرت، چنین ابراز احساسات کرد: «کل مصيبة بعدك جليل» [ابن اسحاق و بیهقی]؛ هر مصیبتی بعد [اطمینان از سلامتی] شما کوچک است.

از همین طیف است، عبدالله بن عبدالله بن ابی، وقتی که می‌شنود پدرش به پیامبر توهین کرده و گفته است: «لئن رجعنا إلى المدينة ليخرجن الأعرز منها الأذل»؛ همین‌که به مدینه بازگردیم عزیزترین فرد (مراد خودش بود)، دلیل‌ترین را اخراج خواهد کرد. وقتی قافله به مدینه بازگشت، عبدالله در ورودی مدینه منوره درحالی‌که شمشیرش را بلند کرده بود، در مقابل پدرش ایستاد و گفت: شما چنین جسارتی را روا داشته‌اید؟ سوگند به خدا! همین حالا خواهید دانست که عزت از آن شماست یا از آن رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم! سپس گفت: تا زمانی که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم اجازه ندهد، نمی‌گذارم در سایه‌های مدینه جا بگیرم

و فداکاری با جان و مال در راه دعوت الی‌الله بدون محبت واقعی که از اعماق قلب برخاسته و بر عقل و احساسات چیره باشد، امکان‌پذیر نیست؛ از این رو خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «قل إن كان آباؤكم و آبناؤكم و إخوانكم و أزواجكم و عشیرتكم و أموال اقترفتموها و تجارة تخشون كسادها و مساكن ترضونها أحب إليكم من الله و رسوله و جهاد فی سبيله فترضوا حتی يأتي الله بأمره و الله لا يهدی القوم الفاسقين» [توبه: ۲۴]؛ بگو: اگر پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و همسرانتان و خویشاوندانتان و مال‌هایی که آن را به دست آورده‌اید و تجارتی که از کسادش می‌ترسید و خانه‌هایی که آن‌ها را می‌پسندید، در نزد شما از خدا و رسولش

قرآن مجید به این اکتفا نمی‌کند که اطاعت و ارتباط با پیامبران الهی فقط در این حد باشد که رعایا با حکام، و اعضای یک حزب و ارتش با رهبر سیاسی و فرمانده‌شان دارند، و نه این ارتباط از آن جنس است که همچون نظام‌های حکومتی فقط مالیات پرداخت و به قانون گردن نهاده شود.

و جهاد کردن در راه او محبوب‌تراند، پس در انتظار باشید تا خداوند حکمش را در میان آورد و خداوند گروه نافرمانان را هدایت نمی‌کند.

به همین دلیل اصحاب پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم بیش از هر کس دل‌داده اطاعت از آن حضرت بودند و در این زمینه پیش‌رو، بانشاط و شکیبایتر از همه ظاهر شدند و در این خصوص سهمشان از همه بیش‌تر و برتر است.

حضرت ابوبکر صدیق رضی‌الله‌عنه از همین تبار بود؛ او حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وسلم را از جانش بیش‌تر دوست داشت و بر زندگی و سلامتی خویش ترجیح می‌داد. یک‌بار عتبه بن ربیع با کفش بر چهره حضرت ابوبکر کوبید و بر روی سینه‌اش نشست و آن قدر او را مورد ضرب و شتم قرار داد که چهره‌اش

که خداوند دل‌هایشان را برای تقوا پرورده است. آنان آمرزش و پاداش بزرگی دارند. «لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضاً» [نور: ۶۳]؛ فراخواندن رسول [خدا] را در میان خود همچون فراخواندن همدیگر نشمارید.

آری! بر همین اساس نیز خداوند متعال ازدواج با همسران پیامبر اسلام را بعد از رحلت ایشان برای امت حرام کرده است: «و ما كان لكم أن تؤذوا رسول الله و لا أن تنكحوا أزواجه من بعده أبداً إن ذالکم كان عند الله عظيماً» [احزاب: ۵۳]؛ و شما را نسزد که رسول خدا را برنجانید و نه آن‌که زنانش را پس از او - هرگز - به زنی بگیرید که این [کار] نزد خداوند [گناه] بزرگ است.

علاوه بر این‌ها نصوص و عبارات صریحی وجود دارد مبنی بر این‌که محبت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم و ترجیح ایشان بر جان و مال و خانواده خویش، از مقتضیات و خواسته‌های ایمان است. در صحیحین روایت شده است: «لا يؤمن أحدكم حتى أكون أحب إليه من والده و ولده و الناس أجمعين»؛ احدی از شما نمی‌تواند مؤمن به‌شمار آید مگر وقتی که من از پدر و فرزندش و همه مردم نزد وی محبوب‌تر باشم. امام طبری این روایت را در معجم کبیر و معجم اوسط به اضافه کلمه «من نفسه» روایت کرده است؛ یعنی «مرا از جانش نیز بیش‌تر دوست بدارد».

هم‌چنین فرموده‌اند: «ثلاث من كن فيه وجد بهن حلاوة الإيمان، من كان الله و رسوله أحب إليه مما سواهما ...»؛ سه صفت‌اند که در وجود هر کس باشند حلاوت ایمان را درمی‌یابد، اول آن‌که خدا و رسولش نزد او از هر کس محبوب‌تر باشند ...

## رمز از خودگذشتگی

### صحابه در اطاعت از رسول الله

واقعیت این است که اطاعت کامل و صمیمانه از پیامبر، اختیار نمودن اخلاق نبوی و ترجیح دادن شریعت اسلامی بر خواسته‌های نفسانی و رسم و رواج‌ها،

### انحصار موفقیت امت

#### در اطاعت و محبت پیامبر

سرنوشت امت‌هایی که پیامبران الهی در میان آن‌ها مبعوث شده‌اند، در گرو این است که پیامبران را اطاعت و اتباع نمایند و زیر پرچم آنان جمع شوند و به تعالیم و روش‌هایشان تمسک جویند و درهرحال به آن‌ها وابسته و رهرو راه آنان باشند.

باید اذعان کرد که هیچ امتی هر قدر توانا و تیزهوش و دارای امکانات باشد، و هر قدر از حیث فرهنگ و تمدن پیشرفت نماید و اوضاع و اندیشه‌هایش متحول گردد، ممکن نیست بدون اتباع و پیروی از پیامبر به‌جایی برسد و بدون محبت و نصرتش به کامیابی و موفقیت دست یابد.

هر امت و ملتی که بخواهد بدون برگزیدن روش پیامبر، تنها از طریق سیاسی و تکیه کردن به ابرقدرت‌ها به عزت و سربلندی و اقتدار برسد، هرگز چنین نخواهد شد، و قطعاً چنین امتی دیر یا زود با خواری و ذلت، شکست و ناکامی، و فروپاشی داخلی روبه‌رو خواهد شد.

#### اوضاع جهان اسلام

#### و جهان عرب و عوامل آن

آری! وضعیت جهان اسلام به‌طور عام و جهان عرب به‌طور خاص، بهترین گواه مدعای مزبور است. متأسفانه جهان اسلام و کشورهای عربی در عصر اخیر از اتباع رسول مکرّم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم احساس مشکل می‌کنند و اطاعت و اتباع رهبران سیاسی را بر اطاعت از آن‌حضرت مقدم می‌شمارند و از انتساب و افتخار به نبی رحمت صلی‌الله‌علیه‌وسلم احساس شرمندگی می‌نمایند و می‌گیرزند و سعی دارند از دین اسلام و دستوراتش و تمدن ربّانی و نبوی فاصله بگیرند. در نتیجه می‌بینیم که متأسفانه اغلب این کشورها به ملی‌گرایی و وطن‌پرستی و سوسیالیسم و فلسفه‌های جدید دیگر معتقد شده‌اند<sup>(۲)</sup>، و هنوز که هنوز است راه به‌جایی نبرده و موفقیتی به‌دست نیاورده‌اند. بدون

و وارد آن شوی. بالاخره رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم برای او پیغام فرستاد که به پدرش اجازه ورود بدهد؛ و او آن‌گاه به پدرش اجازه ورود داد. [تفسیر طبری]

بر پایه چنین احساسات و محبت قلبی‌ای، صحابه کرام سروجان را کف دست نهاده و جان‌فشانی کردند و ترک وطن، دوری از خانواده و شهادت در راه الله برایشان آسان و شیرین گشت و در هنگامه جنگ چنین گفتند: «إِنَّ أَمْرَنَا تَبِعَ لِأَمْرِكَ فَوَاللَّهِ لَأَتَّبِعَنَّكَ حَتَّى تَبْلُغَ الْبِرْكَ مَنْ غَمَدَانَ لَنَسِيرَنَّ مَعَكَ وَاللَّهِ لَأَتَّبِعَنَّكَ حَتَّى تَبْلُغَ الْبِرْكَ مَنْ غَمَدَانَ لَنَسِيرَنَّ مَعَكَ»<sup>(۱)</sup>؛ بدون کوچک‌ترین تعللی ما تابع امر شما هستیم؛ به خدا سوگند! اگر به طرف «برک غمدان» (نقطه‌ای در متناهی‌الیه جزیره‌العرب) بروی ما در رکاب شما خواهیم بود، و به خدا سوگند! اگر دستور دهید ما در رکاب شما دریا را شکافته و از آن عبور خواهیم کرد.

#### نتیجه ضعف محبت در جهان اسلام

#### و تأثیر آن بر زندگی مسلمانان

اینک در جهان اسلام کوتاهی عمل بر شریعت و غفلت در طاعات به‌صورت عام مشاهده می‌گردد، و از آنچه بر نفس دشوار است احساس وحشت می‌شود. حتی برخی از علما و تحصیل‌کرده‌ها نیز نسبت به سنت‌های رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم سهل‌انگاری و غفلت نشان می‌دهند. تنها سبب این امر این است که احساس محبت و عظمت نسبت به رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم آن‌گونه که قرآن بر آن تأکید دارد در قلب‌ها ضعیف و یا از بین رفته است؛ درحالی‌که همین احساس محبت و عظمت، همواره منبع بی‌ظنیر نیرومندی و برتری مسلمانان بوده و در تاریخ اسلام شگفتی آفریده است.

به‌راستی که این خلأیی بزرگ است و همانا هیچ توان‌مندی عقلی و اراده قوی تشکیلاتی نمی‌تواند این خلأ را پر کند، و این خسارت و زیانی است که با هیچ چیز دیگری جبران نمی‌شود.

هر امت و ملتی که بخواهد بدون برگزیدن روش پیامبر، تنها از طریق سیاسی و تکیه کردن به ابرقدرت‌ها به عزت و سربلندی و اقتدار برسد، هرگز چنین نخواهد شد، و قطعاً چنین امتی دیر یا زود با خواری و ذلت، شکست و ناکامی، و فروپاشی داخلی روبه‌رو خواهد شد.

معذرت‌خواهی به‌صراحت می‌گویم که جهان عرب پاره پاره شده و هنوز نتوانسته تنها مسئله فلسطین را در این مدت طولانی حل نماید و در عرصه پیشوایی جهان اسلام و رهبری بشریت به جایگاه مناسب خویش دست یابد و نقش قابل‌ذکری ایفا کند، و هر روزی که می‌گذرد مشکل جدید و بحران تازه‌ای دامن‌گیرش می‌شود.

امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه به همراهان عربش در سرزمین شام (که از صحابه جلیل‌القدر و فرماندهان بزرگ فتوحات اسلامی بودند)، آن هنگام که به او پیشنهاد کردند شأن و شوکتی مناسب یک رهبر بزرگ جهانی اختیار نماید، چه نیکو فرمود: «إِنَّكُمْ كُنْتُمْ أَذِلَّ النَّاسِ، فَأَعَزِّكُمْ اللَّهُ بِالْإِسْلَامِ، فَهَمَّا تَطَلَبُوا الْعِزَّةَ بغيره يَذَلُّكُمْ اللَّهُ»<sup>(۱)</sup> [البدایة و النهایة: ۶۰/۷]؛ شما خوارترین مردمان بودید که الله شما را با اسلام عزت بخشید؛ پس هرگاه به‌جز اسلام از طریق دیگری جویای عزت باشید، خداوند شما را ذلیل و خوار خواهد کرد.♦

#### پی‌نوشت‌ها:

۱- مقوله سعد بن معاذ رضی‌الله‌عنه در غزوه بدر.  
۲- همان‌طور که نویسنده آورده است چند دهه قبل اوضاع کشورهای عربی و اسلامی چنین بوده است، به‌طور مثال عراق و سوریه و مصر به نظام‌های سوسیالیستی افتخار می‌کردند و جنبش‌های اسلامی را درهم کوبیدند و در کشورهای دیگر نیز همین ماجرا تکرار شد. متأسفانه رسوبات این اندیشه‌های ضد اسلامی هنوز هم وجود دارد که بیداری اسلامی را تحمل نمی‌کنند، مخلصان و داعیان را تحت عنوان تروریست تعقیب می‌نمایند و سرسپرده آمریکا گشته‌اند.